

شناسایی تجربه زیسته، دیدگاه‌ها، دلایل و انگیزه‌های مردم از مشارکت در بهسازی

و نوسازی بافت فرسوده شهری

مریم ملکی^۱، مهرداد نوابخش^۲، میثم موسایی^۳، علی بقایی سرابی^۴

چکیده

بافت‌های فرسوده که زمانی محور تمرکز جمعیت و اقتصاد بودند امروزه به نقاطی کم‌بازده در تعاملات اجتماعی و اقتصادی تبدیل شده‌اند که نیازمند مداخله برای بهسازی و نوسازی هستند. در پژوهش حاضر، باهدف شناسایی تجربه زیسته، دیدگاه‌ها، دلایل و انگیزه‌های مردم از مشارکت در بهسازی و نوسازی در ۴ منطقه از شهر تهران (مناطق ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۷) که بیشترین سهم از بافت فرسوده را دارند تدوین شد. روش تحقیق کیفی- کمی (پرسش‌نامه و مصاحبه) با بهره‌گیری از رهیافت توصیفی-تحلیلی است. در ساحت کمی از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و فرمول کوکران حجم نمونه ۳۶۸ نفر تعیین شد و در ساحت کیفی جهت فهم تجربه زیسته ساکنین بافت و توصیف آن از روش گراندد تئوری که دارای ویژگی‌های منحصر به فرد بوده و زمینه‌ساز شکل‌گیری نگاه متفاوت و جدید در بررسی موضوعات جامعه‌شناسی شهری می‌گردد و از سویی در تحقیقات و تجارب داخلی مغفول مانده استفاده شد، لذا با بهره‌گیری از این

۱- دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)
maryammaleki.99@gmail.com

۲- استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Mehrdad navabakhsh@yahoo.com

mousaaei@ut.ac.ir

۳- استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

abaghaei@riau.ac.ir

۴- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

روش و نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به مرحله اشباع نظری ۱۵ نفر جمعیت پژوهشی تعیین گردید. یافته‌های پژوهش گویای آن است که عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی از قبیل اعتمادسازی، تمایل به مشارکت و امکانات و خدمات در ساماندهی محلات فرسوده شهر تهران نقش مؤثری داشته، به گونه‌ای که در ساحت کمی، از مجموع ۳۶۸ پاسخ‌دهنده بیشترین سهم مشارکتی در گروه سنی بین ۳۰ تا ۵۰ سال (۷۶ درصد) و با اکثریت جنسیتی مردان (۸۹ درصد) بود. بر اساس نظریات کنش و مشارکت بالاتر بودن سطح مشارکت مردان برخاسته از ساختارهای فرهنگی سنتی ساکنین مبنی بر حذف و یا کمرنگ بودن نقش زنان است که بالتبع ضمن عدم آگاهی به طور مستقیم بر سطح مشارکت آنها اثرگذار است. میانگین میزان مشارکت، آگاهی و اطلاع‌رسانی و توانمندسازی پاسخ‌دهندگان به ترتیب ۲۰.۱۰ و ۲۰.۲۷ و ۲۰.۳۵ است که از حد وسط طیف لیکرت (۳) کمتر است که این میزان از عدم کارآمدی و هدفگذاری برنامه‌های توسعه پنجم و ششم است. در بخش ساحت کیفی، میزان مشارکت ساکنین قدیمی به دلیل بیشتر بودن تجربه زیسته از سکونت در محلات و دارا بودن حس تعلق بیشتر به دلیل مالکیت بر املاک تجاری و مسکونی انتخاب شدند، زیرا اشراف جامع‌تری از فرایند اجرای برنامه‌ها در این محلات دارند. احصاء نظرات و یافته‌ها نشان داد بدون در نظر گرفتن نقش و سهم مشارکتی ساکنین بافت در بهسازی و نوسازی نمی‌توان امید چندانی به اثربخشی فعالیت برنامه‌ها داشت.

واژه‌های کلیدی: تجربه زیسته، مشارکت اجتماعی، بهسازی و نوسازی، بافت فرسوده شهری.

مقدمه

شهرهای نوین محصول تکنولوژی و صنعت قرن بیستم به حساب می‌آیند. بدین ترتیب باید قادر به برآوردن نیازها و خواسته‌های جسمی و روانی ساکنین خود نیز باشند به نحوی که نظامی انسان‌گرا به جای نظامی ماشین‌گرا بر شهرها حاکم گردد و محور اصلی ساخت شهرها همان‌گونه که در شاخص‌های توسعه پایدار مطرح است بر مبنای انسان واقع گردد، به گونه‌ای که انسان هم محور توسعه و هم هدف توسعه شهری باشد. از این رو، بهره‌برداری از تمامی پتانسیل‌های موجود در شهر(از جمله نقش مشارکتی ساکنین) و بهینه‌سازی وضعیت موجود به منظور افزایش بهره‌وری یکی از

دلایل منطقی پرداختن به تجدید حیات بافت‌های فرسوده شهری است و دیگر اینکه باید به توسعه از درون، یعنی رونق بخشیدن به مراکز شهرها نیز بها داد (زندى بختیاری، ۱۳۸۳: ۲).

در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نیز موضوع تسریع بخشی به بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری به‌عنوان یک ضرورت مورد توجه قرار گرفت به نحوی که در برنامه پنجم توسعه احیای ده درصد از بافت فرسوده شهری در تکالیف وزارت راه و شهرسازی ملحوظ گردید و در این خصوص سند ملی راهبردی احیاء، بهسازی و نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری در شهریور ۱۳۹۳ به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی به تصویب هیأت وزیران رسید. این سند مرجع تعاریف مشترک، اهداف، اصول، راهبردها و سیاست‌های دولت در زمینه احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری در محدوده‌ها و محلات، هدف قرار گرفت به طوری که در برنامه ششم توسعه ۲۷۰ محله به‌عنوان محلات هدف بازآفرینی شهری قرار داشت. لکن به دلایل مختلف از جمله برنامه‌ریزی از بالا به پایین و نادیده‌انگاری نقش و مشارکت مردم و ساکنین بافت‌های فرسوده شهری به‌عنوان ذی‌نفعان حقیقی این برنامه‌ها، سرآمد و نتایج حاصله به‌گواه وضع موجود در این محلات کارآمد واقع نشد. بر این اساس، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری در شرایطی که ۴۷۰ شهر کشور بیش از ۷۰ هزار هکتار بافت فرسوده را در خود جای داده این امر یک مسأله اساسی و کلیدی در موضوعات شهری شناخته شده چرا که بالغ بر ۱۵ درصد جمعیت شهری کشور در بافت فرسوده ساکن هستند و علی‌رغم اینکه در برنامه‌های توسعه به طور متوسط بایستی سالی ۱۰۰ هزار واحد مسکونی نوسازی می‌شد؛ ولی به‌طور متوسط کمتر از ۳۰ هزار واحد در سال نوسازی و بهسازی شده است که این واپس ماندگی از اجرای برنامه‌ها، موضوع بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری را به یک مسأله و چالش کلیدی در موضوعات شهری و زیست شهری برای ساکنین آن و برنامه‌ریزان حوزه اجتماعی و شهری تبدیل کرده است.

از این رو، تسریع در پیشبرد برنامه‌های بهسازی و نوسازی مناطق قدیمی شهر که بیشترین سهم از بافت فرسوده شهری را به خود اختصاص داده یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. چراکه بخش قابل توجهی از نیازها و سرانه‌های رفاهی و اجتماعی محلات را برای ساکنین شهر تأمین کند و با تأمین سرپناه و مسکنی امن در این محلات ضمن حفظ هویت منطقه‌ای و کاهش آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی این محلات، از گسترش بی‌رویه و بی‌برنامه شهرها نیز جلوگیری می‌شود. بر اساس رویکرد صاحب‌نظران جامعه‌شناسی شهری و اقتصاددانان و نظریه‌پردازان حوزه مدیریت شهری تبدیل تهدیدهای بافت فرسوده به فرصت‌های ارزشمند ضمن زمینه‌سازی رشد و توسعه اقتصادی و رونق کسب‌وکارهای محلی بالتبع سطح تعلق خاطر ساکنین به محل سکونت خود را ارتقا خواهد داد که این مهم زمینه‌ساز افزایش امنیت، کاهش آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی و ارتقای سرانه‌های بهداشتی و آموزشی در محل خواهد شد. به زبان اقتصادی، در چنین شرایطی هزینه‌های ارتباطات یا معاملات اجتماعی به حداقل خواهد رسید، که معادل به حداقل رسیدن اصطکاک در محیط فیزیکی است؛ در نتیجه توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی به بالاترین سرعت و شتاب می‌رسد. (هادیان و دانشپور، ۱۳۹۷: ۱).

در این راستا، اگرچه اهتمام برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران برنامه‌های مدیریت شهری نیز بر بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری قرار داشته، اما علی‌رغم تصویب قوانین بالادستی کماکان توسعه نامتوازن شهر را به‌عنوان یک مسأله کلیدی در مباحث شهری نظاره‌گر هستیم به‌گونه‌ای که مناطقی از شهر با بلندمرتبه‌سازی و جابه‌جایی حریم شهرها و ساخت خانه‌های لوکس و خالی از سکنه تهدید می‌گردد و مناطقی دیگر در تهدید سازه‌های ناپایدار، فرسوده و ناکارآمد، تراکم جمعیتی بالا و تنوع فرهنگی و بالتبع آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی برخاسته از آن، قرار دارد که کلید کندی پیشبرد این برنامه‌ها را باید در کم‌رنگ یا نادیده انگاشتن نقش و سهم مشارکتی مردم به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری، جستجو کرد. از این رو، در این پژوهش سعی بر آن است تا به‌منظور اشراف جامع بر شناخت دلایل، انگیزه‌ها و

باورهای ساکنین محلات بافت فرسوده شهری ارزیابی کیفی ابعاد ذهنی و تجربه زیسته مورد بررسی واقع گردد و لذا در کنار بهره‌گیری از روش‌های کمی، استفاده از روش‌های کیفی در ارزیابی شناخت بسترهای ذهنی ساکنین می‌تواند بسیار کلیدی و اثربخش به‌منظور به‌کارگیری در برنامه‌ریزی‌های آتی باشد.

بیان مسأله

مسأله تغییرات بافتی شهرهای ایران بیشتر از دوره رضاشاه و از سال ۱۳۰۹-۱۳۱۹ آغاز گردید (طالقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۷) موضوع بهسازی و نوسازی مراکز قدیمی شهرها در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه به جد مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار گرفت و کمابیش اقدام‌هایی صورت پذیرفت؛ اما اکثر این طرح‌های بهسازی و نوسازی شهری به سرانجام نرسیده است. به نظر می‌رسد از آنجا که مردم در تهیه، اجرا و نظارت بر این برنامه‌ها نقش جدی نداشته‌اند، برنامه‌های مذکور از اهداف خود بازمانده و بهسازی و نوسازی اثربخشی صورت نگرفته است. در یک بررسی میدانی در منطقه ۱۲ شهرداری تهران تحولات سریع ساختار شهری تهران در سال‌های اخیر را از موضوعات تأثیرگذار در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری دانسته که عمده‌ترین آسیب ناشی از آن را ناسازگاری، ناهمگونی و ناپایداری کالبدی بافت‌های قدیمی و فرسوده و نوسازی شده در این منطقه دانسته است (امیری، نشاط و نیکنایی، ۱۳۹۵). در پژوهش میدانی (نقدی و کولیوند، ۱۳۹۴) با عنوان مشارکت اجتماعی شهروندان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهر کرمانشاه (خیابان مدرس) ۷۰ درصد ساکنین محله دارای سن بالای ۴۰ سال با سطح تحصیلات پایین و از گروه درآمدی متوسط روبه‌پایین بودند که از این میزان ۶۷ درصد صرفاً دریافت وام را به‌عنوان بهترین قدم به‌منظور بهسازی شهری عنوان کرده‌اند که این موضوع، در تحقیقی که توسط ستینبرگ (۲۰۱۲) در سه شهر آسیایی جاکارتا، هانوی و مانیل انجام گردیده نیز مطرح می‌گردد به‌طوری‌که میزان حمایت مالی از ساکنان این مناطق و میزان بودجه

و توان مالی نهادهای شهری به‌عنوان سه عامل تأثیرگذار در موضوع احیا، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری شناخته شده است.

براین اساس، چنانچه اضلاع مؤثر در فرایند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده را به چهار بخش دولت و سازمان‌های مربوطه، سرمایه‌گذاران، شرکت‌های مجری و مردم ساکن و مالک در محل اجرای پروژه‌های شهری دسته‌بندی نمود، عمده‌ترین عامل کندی فرایند بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری را می‌توان در عدم آمادگی ساکنین این محلات لحاظ نمود. زیرا عدم اطلاع و بی‌اعتمادی ایشان به برنامه‌های شهری و فقر مادی سبب عدم مشارکت و مقاومت در اجرای طرح‌ها می‌شود و از آنجایی که برنامه‌ها و سیاست‌گذاری در بافت فرسوده شهری بیشتر گویای سیاست‌گذاری از بالا به پایین و برای مردم نه با مردم و با تمرکز بر اصلاح کالبدی محلات فارغ از چالش‌ها و مشکلات اقتصادی، اجتماعی ساکنین بوده، ناکارآمدی و عدم بازدهی مناسب این برنامه‌ها را به همراه داشته است. حال آنکه باور به این موضوع که مشارکت مردم در احیاء، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری و ارتقای نقش و سهم آنها یقیناً در کاهش هزینه‌های مادی و معنوی پیشبرد برنامه‌های مدیریت و توسعه شهری بسیار مؤثر خواهد بود. آنچه که نادیده انگاشتن آن در تهیه و تدوین و اجرای برنامه‌های نوسازی و بهسازی در محلات دارای بافت فرسوده شهری سبب ناکارآمدی و عدم تحقق این برنامه‌ها گردیده و لذا بررسی و ارزیابی نقش و سهم مشارکتی ساکنین بافت فرسوده شهری در این فرایندها به یک مسأله اساسی در پروژه‌های شهری و برنامه ریزی شهری بدل گردیده است. از این رو، چرایی عدم مشارکت مردم یا مشارکت محدود مردم در برنامه‌ها و سیاست‌های بازسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری به‌عنوان سؤال اصلی این پژوهش، مدنظر قرار گرفت و این پژوهش درصدد آن است که با شناخت دیدگاه‌ها، دلایل و انگیزه‌های مردم ساکن بافت فرسوده در کنار ارزیابی سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی آنها بتواند پاسخی برای بسیاری از سؤالات و ناکارآمدی طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری ارائه نماید و

پیشنهادها و راهکاری اجرایی و عملیاتی برگرفته از رویکردها، انتظارات و خواسته‌های ساکنین محلات ارائه نماید.

اهمیت و اهداف پژوهش

توجه به بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده در مناطق مختلف شهری از جمله شهر تهران (به لحاظ موقعیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی آن در کشور) از اهمیت خاصی برخوردار است. مناطق ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۷ شهر تهران به دلیل موقعیت خاص از لحاظ دسترسی‌های شهری و دارابودن ظرفیت بالقوه در به عهده گرفتن عملکردهای خاص با محوریت اقتصادی، توریسم و گردشگری جایگاه مهمی در پروژه‌های توسعه شهری دارد و از آنجایی که بررسی‌های جهانی گویای آن است که سیاست توسعه درونی شهرها با رویکرد استفاده از کالان گران قیمت و کمیاب زمین شهری، هزینه‌های کمتری بر مردم و دولت برای اسکان سرریز جمعیت تحمیل می‌کند، لذا ضروری است با رویکرد مشارکت مردمی از نوع مشارکتتقاضا محور و نه عرضه محور، بسترها و پیش‌شرط‌های لازم برای افزایش آگاهی و شناخت ساکنین محلات و ارتقاء سهم و نقش مشارکتی آنها صورت پذیرد.

از این رو در پژوهش حاضر، سعی بر آن است تا ضمن بیان تعریفی مشخص از مشارکت اجتماعی ساکنین بافت‌های فرسوده شهری، ضرورت‌ها، منافع و نیز معایب مشارکت احصاء گردد و راهبردهای جهت تقویت نقش مشارکت اجتماعی شهروندان در طرح‌های نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده شهری ارائه گردد. همچنین سعی بر شناسایی دیدگاه‌ها و تجربه‌های زیسته ساکنین مناطق ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۷ شهر تهران است. بر این اساس اهداف این پژوهش در دو ساحت کمی و کیفی و سپس اهداف کلی برخاسته از ساحت کمی و کیفی بدین شرح تنظیم شده است:

اهداف ساحت کمی

- سنجش میزان مشارکت و اطلاع مردم ساکن در بافت فرسوده شهری از برنامه‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و اهداف نوسازی و بهسازی محل سکونتشان

- سنجش میزان توانمندسازی مردم در مشارکت برای نوسازی و بهسازی بافت فرسوده شهری
- سنجش رابطه اطلاع مردم از برنامه‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و توانمندسازی آنها با نوسازی و بهسازی محل سکونت و مشارکت آنها

اهداف ساحت کیفی

- شناسایی تجربه زیسته، دیدگاه‌ها، دلایل و انگیزه‌های مردم از مشارکت یا عدم مشارکت در نوسازی و بهسازی بافت فرسوده شهری

اهداف کلی برخاسته از ساحت کمی و کیفی

- تدوین راهبردهای افزایش تمایل و توانمندسازی مردم ساکن در بافت فرسوده شهری برای مشارکت پایدار
- تهیه راهبردهای بهبود تجربه زیسته مردم ساکن در بافت فرسوده شهری برای مشارکت پایدار
- تدوین راه‌های تقویت دلایل مردم ساکن در بافت فرسوده شهری برای افزایش میزان مشارکت پایدار
- تهیه راهکارهای برای ایجاد و تقویت انگیزش در ساکنین بافت فرسوده شهری جهت افزایش میزان مشارکت پایدار

ادبیات پژوهش

تعریف مفاهیم

مشارکت: مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظور خاص است و در معنای اصطلاحی جوهره اصلی آن درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری است (میرموسوی، ۱۳۹۵: ۸۷) مشارکت، تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مسئولانه است؛ بنابراین یکی از مکانیسم‌های اعمال قدرت است و تنها می‌تواند از درون برخیزد حتی اگر از بیرون مورد حمایت باشد (آقاحسینی، ۱۳۹۱: ۲۴) پیتر اوکلی و مارسدن (۱۹۸۹)

معتقدند که مشارکت به معنای برانگیختن حساسیت مردم، افزایش درک و توان مردم در جهت پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی است (آقاحسینی، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۷) گالت مشارکت مردمی را به‌عنوان جزء حیاتی استراتژی توسعه دانسته و مشارکت اجتماعی را واجد سه عملکرد عمده شامل نحوه برخورد غیربازاری دولت با مردم و تضمین احساس ارزشمندی، مشارکت به‌عنوان وسیله ارزشمندی برای بسیج، سازماندهی و تعالی بخشیدن به فعالیت‌ها توسط خود مردم به‌عنوان حلال اصلی مشکلات در شرایط اجتماعی خود و مشارکت به‌مانند کانالی که گروه‌ها و جوامع محلی می‌توانند از طریق آن به عرصه‌های کلان و بزرگ‌تر تصمیم‌گیری دسترسی پیدا کنند، است. (نیازی، ۱۳۸۵: ۱۲۹)

مشارکت اجتماعی: براین اساس مشارکت اجتماعی به‌عنوان یک رفتار انسانی از رفتار صرفاً بازتابی متمایز است چرا که افراد مشارکت‌کننده برای رفتار خود معنای ذهنی مشخصی قائل‌اند. در متمایز ساختن کنش فردی از کنش اجتماعی دو دیدگاه مختلف از آغاز وجود داشته؛ یکی دیدگاه وبر که بر معیارهای درونی و ذهنی تأکید می‌کند و دیگری دورکیم که بیشتر بر معیارهای خارج از فرد و عینی تأکید دارد و پارسونز که کوشید تا این دو سنت فکری را تلفیق نماید.

بافت فرسوده شهری: بر اساس شاخص‌های مصوب در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، بافت فرسوده شهری به محدوده یا بلوکی اطلاق می‌شود که بیش از ۵۰ درصد بناهای آن ناپایدار، معابر آن نفوذناپذیر و املاک آن ریزدانه باشد (شرکت بازآفرینی شهری، ۱۳۸۴). در قانون حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری (۱۳۸۹) بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری، مناطقی از شهر است که در طی سالیان گذشته عناصر متشکله آن اعم از تأسیسات روبنایی، زیربنایی، ابنیه، مستحدثات، خیابان‌ها و دسترسی‌ها، دچار فرسودگی و ناکارآمدی شده و ساکنان آن از مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی رنج می‌برند. بافت‌های فرسوده شهری با ویژگی‌هایی چون برخورداری از موقعیت مناسب شهری، خدمات زیربنایی و محیط اجتماعی ریشه‌دار دارای پتانسیل‌های

بالقوه‌ای هستند که در صورت توجه به آنها قادر خواهند بود با کمترین هزینه لازم بخش قابل‌توجهی از فضاهای سکونتی مورد نیاز فعلی و آتی شهر را تأمین کنند. از سوی دیگر این بافت‌ها به سبب قابلیت‌های خاصی که از جهات مختلف دارند ضرورت توجه به آنها را مطرح می‌سازد. از جهت اقتصادی این بافت‌ها مهم‌ترین ذخیره زمین برای شهر جهت اسکان جمعیت است، از جهت فرهنگی خاستگاه شهر امروزی و یادگاری از فرهنگ و تاریخ پیشین است، همچنین از جهت اجتماعی این بافت‌ها ضامن زندگی انسان‌ها هستند و از لحاظ کالبدی، با وجود همه نارسائی‌ها هنوز دارای ارزش‌های معماری، شهرسازی و باستان‌شناسی بی‌نظیری هستند (سلیمانی مقدم، ۱۳۹۷، ۱۱۰).

انواع بافت‌های فرسوده: بافت‌های فرسوده به سه دسته؛ ۱) بافت‌های دارای میراث فرهنگی، ۲) بافت‌های شهری (فاقد میراث فرهنگی) و ۳) بافت‌های حاشیه‌ای (سکونتگاه‌های غیررسمی) تقسیم می‌شوند (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۶) و انواع مداخله در این بافت‌ها براساس میزان وفاداری به گذشته در ۳ گروه بهسازی، نوسازی و بازسازی قرار می‌گیرند که هر یک تعاریف خاص خود را دارند و اقدامات ویژه‌ای را می‌طلبند:

الف) بهسازی: در این نوع مداخله اصل بر وفاداری به گذشته و حفظ آثار هویت‌بخش در آنهاست. فعالیت بهسازی با هدف استفاده از امکانات بالقوه و بالفعل موجود و تقویت جنبه‌های مثبت، و تضعیف جنبه‌های منفی از طریق حمایت، مراقبت، نگهداری، حفاظت، احیاء، استحکام‌بخشی و تعمیر صورت می‌پذیرد. دخالت در این بافت‌ها مستلزم رعایت ضوابط و مقررات سازمان میراث فرهنگی است. بهسازی به‌منظور ابقا و بهبود کالبد و فضای شهر در کوتاه‌مدت صورت می‌گیرد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۸)

ب) نوسازی: در این نوع مداخله حد وفاداری به گذشته از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار است و برحسب مورد از مداخله اندک تا تغییر را می‌تواند شامل شود. فعالیت نوسازی با هدف افزایش کارایی و بهره‌وری، بازگرداندن حیات شهری به بافت

است و از طریق نوکردن، توان‌بخشی، تجدید حیات، انطباق و دگرگونی صورت می‌پذیرد. در نوسازی بازگرداندن حیات مجدد به بنا یا فضا و احیاء با تأکید بر تغییر شکل فضا یا مجموعه شهری است. نوسازی زمانی انجام می‌شود که فضای شهری، مجموعه و یا بنا از نظر عملکردی فعال هستند، ولی فرسودگی کالبدی سبب کاهش بازدهی و کارایی آن شده باشد (سیف‌الدینی، ۱۳۸۱: ۳۹۰).

ج) **بازسازی:** در این نوع مداخله نه‌تنها هیچ الزامی برای حفظ گذشته وجود ندارد بلکه با هدف ایجاد شرایط جدید زیستی و کالبدی- فضایی و از طریق تخریب، پاکسازی و دوباره‌سازی صورت می‌پذیرد. بازسازی به معنای از نو ساختن است. بازسازی زمانی صورت می‌گیرد که در بنا، مجموعه یا فضای شهری، فرسودگی به‌صورت کامل ایجاد شده باشد (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۵: ۵۴).

د) **بازآفرینی:** بازآفرینی شهری رویکردی است که درصدد احیاء و معاصرسازی محلات سنتی گام برمی‌دارد و تلاش تزریق روحی دوباره در این مناطق و فراهم آوردن شرایطی برای حضور و مشارکت همگان در فرآیند آن، از اهداف ارزشمند این رویکرد است (سجادزاده و زلفی‌گل، ۱۳۹۴: ۱۴۹). بازآفرینی شهری استراتژی است که مقوله‌های مختلف حوزه شهری که نیازمند دخالت هستند را یکپارچه و همگرا می‌کند، موضوع‌هایی چون بافت فرسوده، بافت ناکارآمد، حاشیه‌نشینی و... را شامل شده و برنامه‌ای یکپارچه و هماهنگ را با حضور بخش خصوصی و دستگاه‌های اجرایی به اجرا می‌گذارد. اولین قدم در حوزه بازآفرینی شهری شناسایی سطح و موقعیت فضاها و نیازمند به بازآفرینی است (سند توسعه، ۱۳۹۴: ۲۷۱).

مبانی نظری

دیدگاه‌ها و نظریات مشارکت در حوزه جامعه‌شناسی شهری

الف) **نظریه مشارکتی جیمز میجلی:** میجلی بر اساس پاسخ دولت‌ها به‌عنوان یکی از اضلاع کلیدی در موضوع مشارکت در پروژه‌های شهرسازی، مشارکت را به چهار نوع شیوه ضد‌مشارکتی، شیوه مشارکت هدایت‌کننده، شیوه مشارکت فزاینده و مشارکت

واقعی تقسیم‌بندی می‌کند که کاربرد این نظریه در ارزیابی نقش و سهم مشارکتی مردم در پروژه‌های شهری است. بر اساس این دیدگاه، طرفداران شیوه ضد مشارکتی عقیده به سرکوب مشارکت توده‌ها دارند و بیان می‌کنند که حکومت‌ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها و امور را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آنها تعارض پیدا کند، نمی‌دهند. در شیوه مشارکت هدایت‌کننده نیز دولت با انگیزه‌های پنهانی از اجتماعات محلی حمایت می‌کند و با استفاده ابزاری و کنترل جنبش‌ها و استفاده از جاذبه‌های مشارکت برای کسب مشروعیت سیاسی-اجتماعی اقدامات لازم را در محلات به انجام می‌رسانند. در شیوه مشارکت فزاینده به شکلی دوگانه دولت‌ها عمل می‌نمایند. به این ترتیب که در موضع‌گیری‌های رسمی از آن حمایت کرده و عملاً در مسیر تحقق پیشنهادهای مشارکتی اقدام مؤثری انجام نمی‌دهند و اما در مشارکت واقعی به طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت کرده و از طریق ایجاد سازوکارها تلاش برای ایجاد ساختارهایی جهت ورود مؤثر در اجتماعات محلی در تمام زمینه‌ها می‌نمایند. (حبیبی و سعیدی‌رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۸). بر مبنای این دیدگاه، مشارکت مردم در پروژه‌های بهسازی و نوسازی محلات بیشتر در چارچوب شیوه مشارکت هدایت‌کننده و بعضاً ضد مشارکتی قرار دارد در برنامه پنجم و ششم توسعه گرایشی به سمت مشارکت فزاینده وجود داشت که ماحصل برنامه‌ها و عدم دستیابی به هدفگذاری‌ها بر این موضوع صحنه می‌گذارد.

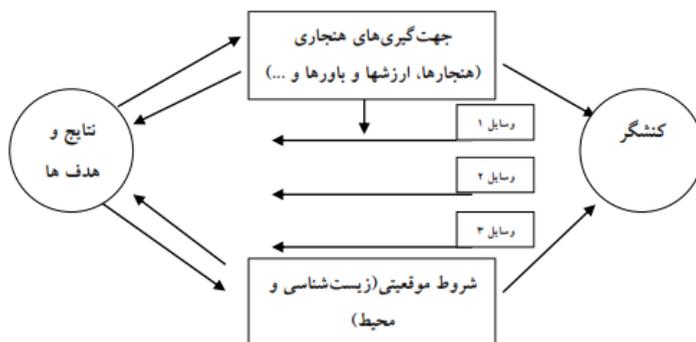
ب) رویکرد کنش اجتماعی در برنامه‌ریزی شهری: مباحث مربوط به کنش اجتماعی مشارکت را به دو بخش ذهنی و رفتاری تقسیم کرده است. وجه ذهنی بر تمایلات و گرایش‌های فردی در جهت مشارکت دلالت دارد و وجه رفتاری، مشارکت عملی در فعالیت‌های جمعی، نهادها و سازمان‌ها را بازتاب می‌دهد. طبق این نظریه، مشارکت به عنوان «یک رفتار انسانی» از رفتارهای صرفاً بازتابی متمایز می‌شود، چرا که افراد برای رفتار خود معنای ذهنی مشخصی قائل هستند. در صورتی که افراد برای رفتار خود معنای ذهنی خاصی قایل باشند «کنش» پدید می‌آید (ریتزر، ۱۳۷۳: ۱۱۸). به لحاظ تحلیلی نیز می‌توان دو نوع کنش را از یکدیگر متمایز کرد. کنش فردی، کنش اجتماعی.

در تمایز میان این دو کنش، دو دیدگاه متفاوت با هم رقابت داشته‌اند. یکی دیدگاه ماکس وبر که بیشتر بر معیارهای درونی و ذهنی تأکید می‌کند و دیگری دیدگاه امیل دورکیم که بیشتر بر معیارهای خارج از فرد و عینی تأکید دارد (روشه، ۱۳۷۶: ۲۱).

از نظر ماکس وبر، «کنش در صورتی اجتماعی است که فرد یا افرادی که رفتار می‌کنند برای آن معنای ذهنی قایل باشند و رفتار دیگران را مدنظر قرار داده و از آن متأثر شوند» (همان: ۲۲). برخلاف وبر که جایگاه کنش را در ذهن افراد جستجو می‌کند، دورکیم خصوصیات کنش اجتماعی را در واقعیت‌های خارجی، بیرون از اشخاص که برای آنها الزام‌آفرین است می‌داند. از نظر دورکیم، کنش اجتماعی شامل چگونگی عمل، تفکر و احساس است که خارج از فرد باشند و دارای قوه اجبار و الزام بوده و خود را بر فرد تحمیل می‌کنند. در برداشت از این دو دیدگاه می‌توان مطرح نمود که مشارکت از منظر فرد دارای دو جنبه است، نخست نیت و انگیزه‌هایی است که موجب می‌شود افراد در امری مشارکت نمایند و سپس میزان آگاهی فرد نسبت به عمل مورد مشارکت است. اما دورکیم بر این باور است که علاوه بر توجه به شرایط ذهنی و فردی باید به شرایط خاص نظام اجتماعی توجه داشت به این معنا که واقعیت‌های خارجی بیرون از افراد هم بر کنش مؤثر هستند. این دو دیدگاه اگر چه برخاسته از تصوری تضادگونه است؛ اما به علت تعلق به سنت فکری خاص می‌تواند به‌عنوان دو سنت مکمل یکدیگر تبدیل شوند. براین‌اساس، تعریف وبر بر سنت «تفهیمی و درون‌فهمی» قرار داد درحالی‌که تعریف دورکیم بر سنت «اثباتی» استوار است. اندیشمندانی چون پارسونز کوشیده‌اند تا این دو سنت فکری را تلفیق نموده و از آن چارچوبی برای تفسیر کنش افراد بسازند (همیلتون^۱، ۱۹۸۳: ۷۱)

تالکوت پارسونز موضوع مطالعه جامعه‌شناسی را کنش اجتماعی می‌داند و معتقد است کنش انسانی، غنی‌تر از آن است که تنها در چارچوب نظام فردی اجتماعی تبیین

شود، کنش انسانی متضمن مشارکت ارگانیکم زیستی، نظام شخصیتی، جهان نمادها، هنجارها و ارزش‌هایی که پاس می‌دارند، است (روشه، ۱۳۷۶: ۹۲).



نمودار شماره ۱: روابط کنش اجتماعی در پروژه‌های بهسازی و نوسازی شهری (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۸)

طبق نظر پارسونز، کنش اجتماعی، عبارت است از همه حالات فکری، احساسی و رفتاری که جهت‌گیری آنها براساس الگوهای جمعی ساخت‌یابی شده است (همیلتون، ۱۹۸۳: ۷۲). طبق این تعریف، رفتار افراد در جوامع به‌خصوص جوامع و اجتماعات محلی و شهری بی‌آنکه به طور مداوم از آن آگاه باشند تحت‌تأثیر هنجارهایی است که برای آنها راهنما یا الگو هستند، ثانیاً حالات عمل، تفکر و احساس پذیرفته شده در یک جامعه به شکل قواعد، هنجارها و الگوها به کنشگر عرضه شده و او ناگزیر است برای آنکه کنش‌هایش در جامعه قابل قبول باشد از آنها الهام گرفته و به رفتارهای خود جهت دهد. ثالثاً کنش و کنش متقابل میان افراد تصادفی نیست. بلکه بر روابط و کنش‌های میان افراد، قواعد و الگوهای مشخصی حاکم است که موجب ساخت یافتن آنها می‌گردد. همانطور که در نمودار شماره (۱) به تصویر کشیده شده در بحث مشارکت اجتماعی به‌عنوان کنش، سطوح مختلف تحلیل، روابط درونی و بیرونی آنها و عوامل مشروط‌کننده (شروط موقعیتی) و کنترل‌کننده (جهت‌گیری‌های هنجاری) در قالب نظام شخصیت موردتوجه است. براین‌اساس، کنش ساکنین محلات بافت فرسوده شهری در برابر برنامه‌های نوسازی و بهسازی محلات نه‌تنها متأثر از انگیزه‌ها و نیت

درونی خودشان است؛ بلکه متأثر از الگوهای رفتاری و هنجاری سایر کنشگران (ساکنین محلات و نظام حاکمیتی و تصمیم‌گیرندگان) قرار خواهد گرفت و هریک از ساکنین محلات بافت فرسوده شهری برای مشارکت یا عدم مشارکت بر اساس انگیزه‌های درونی و هنجارها و الگوهای بیرونی عمل می‌نمایند.

ج) مدل‌ها و تکنیک‌های مشارکت شهروندی: شری ارنشتاین (۱۹۶۹)، مشارکت شهروندی را با کاربرد استعاره «نردبان مشارکت» مطرح ساخت. براساس نظر وی، در پائین‌ترین پله این نردبان، عدم مشارکت وجود دارد و بنابراین شهروندان در این سطح از هیچ قدرتی برخوردار نیستند. گاهی برخی سازمان‌های دولتی با ایجاد شکلی ساختگی از مشارکت، به عوام‌فریبی می‌پردازند. سرپوش گذاشتن بر دیدگاه‌ها و رفتارها از طریق نظرسنجی، هدف پله درمان است. مراتبی از اطلاع‌رسانی به شهروندان نسبت به حقایق موجود در زمینه برنامه‌ها، پله بعدی است. در صورت عملکرد مناسب در مرحله آگاه‌سازی، حرکت به سوی جلب مشارکت شهروندان آغاز می‌شود و مشاوره جهت انعکاس نظرات شهروندان به تصمیم‌گیرندگان سودمند خواهد بود. نتیجه این مشاوره، برخورداری کم از حق مشارکت است؛ اما به طور موقت و تسکین‌بخش که البته مشارکت واقعی محسوب نمی‌شود. یعنی شهروندان از اقتدار کافی برخوردار نبوده و تصمیم‌گیری با صاحبان قدرت است و مراتبی از مساوات‌طلبی نمایشی به وجود می‌آید. در پلکان بعدی اشکال واقعی مشارکت دیده می‌شود که در قالب همکاری، قدرت تفویض شده و نظارت شهروند مطرح می‌شوند که بیانگر توزیع قدرت شهروند به‌واسطه مذاکره است. مخالفان بر این عقیده‌اند که این سطح به دلیل هزینه‌بر بودن، نارسایی و امکان سوءاستفاده فرصت‌طلبان، مانع از ارائه مناسب خدمات عمومی می‌شود. درواقع با این نردبان می‌توان به تفاوت مشارکت تصنعی و واقعی پی‌برد (شیانی، ۱۳۸۴: ۹-۱۶۸).

بر اساس دیدگاه ارنشتاین تجربه ساکنین محلات بافت فرسوده شهری تهران از مشارکت، بیشتر مشارکت ساختگی، تصنعی و عوام‌فریبانه بوده است که بالتبع کاهش

سطح اعتماد اجتماعی را به همراه داشته و نتیجتاً جایگاه حقیقی ساکنین در جهت نوسازی و بهسازی محلات هویدا نگردیده است.

بورنز (۱۹۹۴) موضوع مقدرسازی شهروندان را مطرح می‌کند، آنچه که در نظام مدیریت شهری برای نوسازی و بهسازی بافت فرسوده شهری نادیده گرفته شده است. در این مدل، جنجال عمومی، مشاوره ظاهری و اطلاع‌رسانی ضعیف نشان‌دهنده عدم مشارکت شهروند است. در سطح دوم، پس از پله اهمیت به اطلاع‌رسانی به مشتری، مشورت به دو صورت کیفیت بالا و هیأت مشورتی واقعی دیده شده و تسکین‌بخشی به تصمیم‌گیری مؤثر، عدم تمرکز محدود و همکاری نظارتی تبدیل گردیده که نشانه مشارکت شهروندان است. در بالاترین مرتبه، نظارت شهروند با پلکان نظارت تفویض شده، نظارت سپرده شده و وابستگی متقابل ارتباط پیدا می‌کند (همان: ۱۷۰-۱۶۹) به این ترتیب آنچه که حاصل برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها برای نوسازی و بهسازی بافت فرسوده شهری با بهره‌گیری از ظرفیت و نقش مشارکتی ساکنین محلات بوده به واسطه عدم اهمیت به مقوله اطلاع‌رسانی درست و جامع نتوانسته زمینه‌ساز جلب مشارکت باشد.

دیویدسون (۱۹۹۸) برای بحث مشارکت شهروندان مدل گردونه مشارکت را طراحی کرد. در این گردونه سطوح مختلف مشارکت بدون رتبه‌بندی آمده است (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۷۰). دیویدسون با چرخش گردونه، درصدد دستیابی به سطح مناسبی از مشارکت است. در این چرخه، تصمیم‌گیری و مشارکت در ارتباط متقابل بین شهروندان و تصمیم‌گیران شکل می‌گیرد. هریک از ابعاد مشاوره، اطلاع‌رسانی، توانمندسازی و مشارکت بر مبنای ارتباط شهروندان و تصمیم‌گیران به اشکال مختلف نمایان می‌شود (همان: ۱۷۱). اما این مدل نیز در فرایند نوسازی و بهسازی شهری در محلات بافت فرسوده شهری تهران نادیده گرفته شده است.

د) دیدگاه کارکردگرایی در شهرسازی: تسلط نظریه کارکردگرایی بر شهرسازی مدرن و تبلور آن در منشور آتن (۱۹۳۳) و رواج کاربری آن به صورت طرح‌های جامع اصولاً برنامه‌ریزی شهری را به ابزاری کارکردی برای هدایت و نظارت بر توسعه

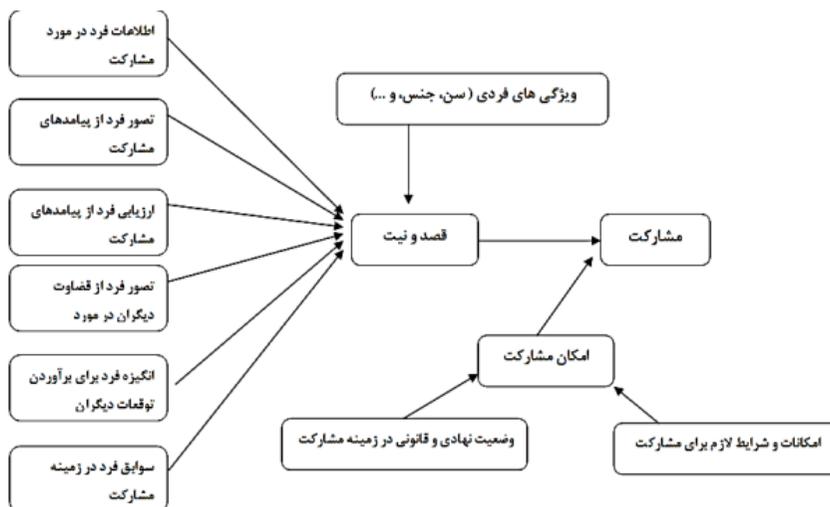
کالبدی شهرها بدل گردانیده است. از اینرو این دیدگاه یک نگرش ابزاری به اراضی و محلات شهری دارد. در این دیدگاه، برنامه‌ریزی بافت قدیم از طریق ساماندهی کالبدی-فضایی فعالیت‌های مختلف شهر، به منظور افزایش کارایی شهر و جلوگیری از بروز بی‌نظمی و آشفتگی در نظام کالبدی شهر صورت می‌گیرد. بدیهی است این رویکرد به نقش زمین‌های شهری، ضرورتاً به نوعی نگرش ایستا و یک‌جانبه می‌انجامد و ابعاد تاریخی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگی مربوط به استفاده از زمین شهری را در شهرهای مختلف به طور واقعی کمتر مورد توجه قرار می‌دهد. این نقیصه موضوعی است که در دهه‌های اخیر، از جهت‌های گوناگون مورد انتقادهای جدی و بازنگری اساسی قرار گرفته است. با توجه به نابرابری‌های فضایی در هر جامعه، نظریه‌پردازان کارکردگرایی معتقدند فضاهای قدیمی باید کارکرد منطبق و مؤثری با شرایط امروزی پیدا کنند. نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی از جمله وجود فقر در اقشار جامعه موجب تفاوت‌های فضایی-کالبدی می‌شود (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۹: ۱۶۰). این رویکرد به نقش زمین‌های شهری، ضرورتاً به نوعی نگرش ایستا و یک‌جانبه می‌انجامد و ابعاد تاریخی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگی بافت شهری را به طور واقعی کمتر مورد توجه قرار می‌دهد. در دیدگاه کارکردگرایی اولویت با مقولات اقتصادی بوده و محتوای فرهنگی از جایگاه مناسبی برخوردار نیست و فضاهای شهری کهن را از دید مصرفی نگرسته، پس به دگرگونی آن اعتقاد دارد (ترانچیک، ۱۹۸۱: ۲). این دیدگاه بر قطع روند تاریخی و فرهنگی متمرکز است. بر اساس این دیدگاه، بافت‌های فرسوده شهری به دلیل اضمحلال بایستی متناسب با نیازهای اقتصادی روز بازسازی و نوسازی گردند که این امر هویت محلات را از آنها می‌زاید. در این پژوهش نگاه به رویکرد کارکردگرایی در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری دیده شده، برنامه‌های که اگرچه نگاه به توسعه همه‌جانبه را در متون در خود جای داده است اما در عمل آنچه که ماحصل پیاده‌سازی برنامه‌ها بوده همین نگاه کارکردگرایانه به مناطق و محلات هدف فارغ از توجه به زیست ساکنین و هویت این محلات است. از اینرو، موضوع نوسازی و بهسازی از درون بافت یعنی با مشارکت خود ساکنین مطرح نظر در این پژوهش قرار

گرفته است تا بجای سیاست‌ها و برنامه‌های تحمیلی از بیرون بر این مناطق با مشارکت ساکنین و برای بهبود وضعیت زندگی آنها در این محلات برنامه‌ریزی بعمل آید.

جدول شماره ۱: چارچوب نظریات مشارکت شهروندان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده

شهری

مشارکت واقعی	مشارکت محدود	مشارکت شعاری	نظریه
شراکت	اطلاع‌رسانی	دستکاری درمان	نردبان مشارکت ارنشتاین
قدرت تفویض شده	مشاوره		
اختیار شهروندان	تسکین بخشی		
مشارکت واقعی	مشارکت فزاینده	مشارکت هدایت شده	میچلی
مشارکت	اطلاع‌رسانی	-	گردونه مشارکت دیویدسون
	توانمندسازی	مشاوره	
مشارکت تفویض شده	همکاری نظارتی	اطلاع‌رسانی ضعیف	بورنز
	نظارت سپرده شده	عدم تمرکز محدود	
	وابستگی متقابل	تصمیم‌گیری مؤثر	



نمودار شماره ۲: عوامل مؤثر بر میزان مشارکت ساکنین بافت فرسوده شهری در پروژه‌های بهسازی

و نوسازی شهری

پیشینه پژوهش

گام‌های نخستین درخصوص احیای بافت‌های فرسوده شهری را باید در اروپای غربی، به‌ویژه در کشورهای فرانسه و انگلیس به دلیل آغاز انقلاب صنعتی و گسترش شهرنشینی پس از آن جست‌وجو کرد که به سابقه زیاد شهرها در این‌گونه کشورها، نسبت به کشورهای دیگر منجر شد. در حقیقت جنبش احیای مراکز شهری بیش از ۱۵۰ سال در این کشورها سابقه دارد. این جنبش با فعالیت بارون. ج. هوسمان، شهردار وقت پاریس برای نوسازی مرکز این شهر در دهه ۱۸۵۰ آغاز شد و با طرح لوکوربوزیه (۱۸۸۷-۱۹۶۵) با عنوان شهر درخشان در دهه ۱۹۲۰ که خواهان فداکردن بخش قدیمی پاریس با روش جایگزینی بناهای عظیم بود، اجرا و وارد مرحله جدید شد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۱۸).

تاکنون محققان زیادی در ایران و پیرامون جهان مشارکت اجتماعی و تأثیرات آن بر فرایند نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری را مورد مطالعه قرار داده‌اند (پیران ۱۳۷۵، غفاری ۱۳۸۳، حبیبی ۱۳۸۴، هادیان و دانشپور ۱۳۸۷، کلبادی و نوفل ۱۳۸۹، رهنمایی و همکاران ۱۳۹۰، مروتی ۱۳۹۰، نیازی ۱۳۹۱، جعفرزاده نجار و نمین ۱۳۹۲، نقیبی و کولیوند ۱۳۹۴، امیری، نشاط و نیکنایی ۱۳۹۵ و...) (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۱۸) که از میان طرح‌های انجام شده در این خصوص می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

هادیان و دانشپور در پژوهشی با عنوان نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و مشارکت شهروندان سعی داشتند ضمن بیان تعریفی مشخص از مشارکت شهروندان، ضرورت‌ها و منافع و نیز معایب مشارکت را با ارائه راهبردهای کلی جهت تقویت نقش مشارکت شهروندان در طرح‌های نوسازی بافت‌های فرسوده شهری ارائه نمایند. در پژوهشی دیگر (مروتی، ۱۳۹۰) با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل ساکنان بافت‌های فرسوده به نوسازی (مورد مطالعه محله امام‌زاده عبدالله تهران)، رابطه عواملی همچون میزان وضعیت اعتماد به همسایگان، همکاری ساکنین در امور جمعی، تعلق خاطر به محله، علاقه به آپارتمان‌نشینی بررسی شده و اطلاع از وجود ضمانت‌های قانونی در طرح بهسازی و نوسازی و همچنین چگونگی رابطه‌ای این عوامل با میزان

تمایل ساکنان بافت‌های فرسوده به نوسازی و بررسی نگاه بازاریان و خریداران آنها و سازمان‌های مربوطه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. در تمامی پژوهش‌های به‌عمل‌آمده تأکید بر جلب مشارکت اجتماعی ساکنان و سرمایه‌گذاران در محلات دارای بافت فرسوده شهری است به‌نوعی که رسیدن به توسعه شهری تنها با مدیریت شهری کارآمد و همراه با مشارکت مردمی مهیا می‌گردد. در پژوهش حاضر نیز سعی شده است تا بررسی و واکاوی این موضوع را در ۴ منطقه از شهر تهران که دارای بیشترین بافت فرسوده شهری است را دنبال کنیم و ارزیابی تجربه زیسته ساکنین بافت‌های فرسوده برای شناسایی دلایل، انگیزه‌ها و اهداف آنها از مشارکت یا عدم مشارکت در برنامه‌های نوسازی و بهسازی محلات هدف بازآفرینی شهری احصاء گردد.

فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد ارزش‌ها و باورهای ساکنین بافت فرسوده شهری با انگیزه‌ها و دلایل ساکنین برای مشارکت در نوسازی و بهسازی بافت فرسوده شهری رابطه دارد.
- به نظر می‌رسد اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی نسبت به اهداف و برنامه‌های نوسازی و بهسازی بافت فرسوده شهری به مردم ساکن در بافت فرسوده شهری با میزان مشارکت آنها در نوسازی و بهسازی بافت فرسوده شهری محل سکونتشان رابطه مستقیم دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع تحلیلی - توصیفی است که با توجه به ماهیت پژوهش داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعات اسنادی شامل کتب، مقالات، آمارهای موجود و مطالعات میدانی مانند مصاحبه و مشاهده عینی گردآوری شده‌اند. برای انتخاب شاخص‌های تحقیق مورد مطالعه با توجه به محور اصلی مورد بررسی در این پژوهش از روش ترکیبی (عینی و ذهنی) استفاده شده است. برای به‌دست‌آوردن شاخص‌های عینی، مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است و داده‌های شاخص‌های ذهنی با استفاده از روش مصاحبه و به‌صورت میدانی به‌دست‌آمده است. همچنین از بین انواع تحقیقات کیفی، گراندد تئوری به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود که به بررسی فرایندهای

اجتماعی موجود در تعاملات انسانی می‌پردازد که دارای اهمیت ویژه‌ای در مطالعات اجتماعی است در این پژوهش بکار گرفته شد. ماهیت گراند تئوری این است که از تحلیل پدیده‌های خاص اجتماعی، یک تئوری جامع و عمومی ارائه دهد. این روش می‌تواند تغییرات فرایندهای اجتماعی را در طول زمان بررسی نماید، آنچه که در موضوع پیاده‌سازی برنامه‌ها و تصمیمات نوسازی و بهسازی محلات دارای بافت فرسوده شهری مورد توجه قرار نگرفته است. از سویی در مطالعات، تحقیقات و تجارب داخلی که در بررسی موضوع مشارکت مردم برای نوسازی و بهسازی بافت فرسوده شهری وجود داشت استفاده از روش گراند تئوری مغفول مانده است که یقیناً بهره‌گیری از این روش زمینه‌ساز شکل‌گیری نگاه متفاوت و جدید در بررسی موضوع ارزیابی تجربه زیسته، دلایل و انگیزه‌های مردم برای مشارکت یا عدم مشارکت در بهسازی و نوسازی محل زیست خود خواهد است. براین اساس در این پژوهش برای گردآوری داده‌های کیفی از روش مصاحبه عمیق برای شناسایی تجربه زیسته، دیدگاه‌ها، دلایل و انگیزه‌ها استفاده شد و مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری که در این پژوهش ۱۵ نفر بود، ادامه یافت. شایان ذکر است با توجه به عدم احساس تعلق به محل سکونت و از سویی مهاجرپذیری بالایی که در این مناطق وجود داشت (مهاجرت از شهرهای کوچک و روستاها) بخشی از ساکنین قدیمی مناطق ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۷ تمایلی به همکاری به دلیل بی‌اثر بودن این مصاحبه‌ها در بهبود وضعیت محل زندگی خود نداشتند گروهی دیگر نیز به دلیل مهاجرت به این محلات شناخت و آگاهی از برنامه‌های نوسازی و بهسازی نداشتند؛ بنابراین از آنجایی که هدف ارزیابی تجربه زیسته ساکنین بافت فرسوده بود ساکنین قدیمی در اولویت مصاحبه‌ها قرار گرفتند. زیرا علاوه بر تجربه زندگی در زمان حال، از نوع، میزان و چگونگی فعالیت مشارکتی ساکنین در زمان گذشته نیز آگاه بوده و دلایل و انگیزه‌ها و دیدگاه‌های آنها اعم از اینکه مشارکت در برنامه‌های نوسازی و بهسازی داشته‌اند یا خیر مورد شناسایی و سنجش قرار گرفت.

قلمرو مکانی پژوهش

باید اشاره شود که ۳۲۶۷ هکتار از مساحت شهر تهران را که معادل ۵ درصد سطح شهر است، بافت‌های فرسوده تشکیل می‌دهند. در این بافت‌ها ۱۵ درصد جمعیت تهران سکونت دارند. ۸۵ درصد از بافت‌های فرسوده شهر تهران در جنوب محور انقلاب (جنوب شهر تهران) قرار دارد که لازم است برای رفع فرسودگی و ایجاد رونق در نوسازی با سیاست‌های حمایتی و پشتیبانی‌های عملیاتی در سطح محلات، شرایط مساعدی را برای حضور و مشارکت مؤثر کنشگران و به خصوص اجتماع محلی فراهم نمود. در این خصوص تمرکز صرف بر اقدامات کالبدی کافی نبوده و توجه به ابعاد اجتماعی و اقتصادی و ارزش‌های محلی و شرایط ساکنان، می‌تواند ضامن پایداری و ارتقاء کیفیت‌های مورد انتظار باشد (سند توسعه: ۲۷۹).

بدین ترتیب، دلیل انتخاب این قلمرو مکانی، دارا بودن بیشترین مساحت بافت فرسوده این محلات در بیان مناطق شهری شهر تهران و همچنین دارا بودن قدمت و هویت تاریخی و نیز حجم جمعیت بسیار بالا و مهاجرپذیر بودن آن بوده است.

جدول شماره ۲: اطلاعات آماری بافت فرسوده شهر تهران

موقعیت	مساحت بافت فرسوده (هکتار)	مساحت بافت فرسوده (هکتار)	نسبت شهر تهران به کشور (درصد)
شهر تهران	۳۲۶۸	۷۹۲۴۵	۴.۱۲

منبع: چالش‌های اساسی استان تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران، مرداد ۹۷

جدول شماره ۳: اطلاعات آماری ساکنین بافت فرسوده شهر تهران

موقعیت	جمعیت ساکن در بافت فرسوده (نفر)	متوسط بعد خانوار	تعداد خانوارهای ساکن در بافت فرسوده
شهر تهران	۱.۲۷۰.۰۰۰	۳.۷	۳۴۳.۰۰۰

منبع: چالش‌های اساسی استان تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران، مرداد ۹۷

در میان مناطق چهارگانه (۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۷) مورد مطالعه ساکنین منطقه ۱۰ که دربرگیرنده خیابان‌های جیحون، خوش، قصرالدشت، کارون و رودکی و خیابان

جمهوری اسلامی و منطقه ۱۱ که شامل میدان انقلاب و خیابان آزادی است اقبال بیشتری جهت مصاحبه و پاسخگویی به پرسش‌نامه از خود نشان دادند، اما در منطقه ۱۱ ساکنین خیابان‌های پیرامون میدان راه‌آهن و خیابان شوش تمایل کمتری به این موضوع داشتند و سطح مشارکتی ساکنین منطقه ۱۷ نیز مناسب ارزیابی شد.

جمعیت پژوهشی برای بخش کیفی

از آنجایی که در سؤالات نخستین تجربه‌ی زیسته‌ی ساکنین بافت فرسوده پرسیده شد ابتدا ساکنین قدیمی و بالتبع مسن که دارای ملک مسکونی و تجاری در بافت فرسوده‌ی شهری هستند و به دلیل داشتن مالکیت بر بخشی از اراضی این محلات و بالتبع داشتن حس تعلق بیشتر به این فضاها از یکسو و همچنین دارا بودن تجربه‌ی زیسته‌ی بیشتر از زندگی و زیست در این محلات انتخاب شدند، نکته حائز اهمیت این است که در مرحله تهیه پرسش‌نامه و ارزیابی اولیه و میدانی پرسش‌نامه نسل جوان و ساکنینی که از مهاجرین به این محلات تشکیل شده بودند حداقل سطح مشارکتی را دارا بودند و افراد مسن و مردها و مالکین در این مناطق بیشترین سهم مشارکتی و تعامل را با پرسشگر دارا بودند. براین اساس به دلیل تمرکز جمعیتی بیشتر در منطقه ۱۱ شهرداری ابتدا به این منطقه برای انجام مصاحبه‌های کیفی مراجعه شد. پس از برگزاری مصاحبه اول، کدگذاری و ایجاد مفاهیم، مقایسه آنها با هم و تشکیل مقوله‌ها، از نمونه‌گیری نظری برای انتخاب شرکت‌کننده‌های بعدی استفاده شد. داده‌های مصاحبه اول علاوه بر اینکه ذهن را متوجه موضوعات جدیدی نمود به ایجاد سؤالاتی نیز منجر گردید که ضرورت پرسش از شرکت‌کنندگان دیگری از نسل‌های دیگر را در مصاحبه بعدی ایجاب نمود. این روند تا زمان برگزاری آخرین مصاحبه و رسیدن به مرحله اشباع نظری که در این پژوهش ۱۵ نفر بود ادامه یافت. در واقع داده‌های حاصل از هر مصاحبه مقوله‌های ایجاد شده و فرایند برقراری ارتباط بین مقوله‌ها بر اساس معیارهای نظریه بنیانی همگی فرایند پرسش را به سوی انتخاب افرادی از نسل‌ها و طبقات مختلف مورد مطالعه سوق داد.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با هدف شناسایی تجربه زیسته، دیدگاه‌ها، دلایل و انگیزه‌های مردم از مشارکت یا عدم مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری، به بررسی دیدگاه‌ها، دلایل و انگیزه‌های ساکنین محلات بافت فرسوده شهری در ۴ منطقه شهرداری شهر تهران (شامل مناطق ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۷) که دارای بیشترین سهم از بافت فرسوده شهری هستند، پرداخته شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بوده که سیمای آماری جمعیت‌شناختی نمونه مورد مطالعه در ساحت کمی نشان می‌دهد از مجموع ۳۶۸ پاسخ‌دهندگان بیشترین سهم مشارکتی در گروه سنی بین ۳۰ تا ۵۰ سال (۷۶ درصد) و با اکثریت جنسیتی مردان (۸۹ درصد) بوده که ۴۵ درصد آنها دارای تحصیلات کارشناسی و ۱۳ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر و مابقی تحصیلات کاردانی و پایین‌تر بوده‌اند. بالاتر بودن سطح مشارکت مردان گویای رویکردهای محیطی و عدم تمایل زنان به مشارکت است که به‌نوعی برخاسته از ساختارهای فرهنگی سنتی ساکنین این مناطق مبنی بر حذف و یا کم‌رنگ بودن نقش زن در محیط‌های اجتماعی است که بالتبع عدم آگاهی و اشراف به وضع خود را در میان ساکنین زن در این مناطق به همراه آورده و به‌طور مستقیم بر روی سطح مشارکت آنها نیز اثرگذار بوده است.

همچنین داده‌ها گویای آن است که میانگین میزان مشارکت، آگاهی و اطلاع‌رسانی و توانمندسازی پاسخ‌دهندگان به ترتیب ۲.۱۰ و ۲.۲۷ و ۲.۳۵ است که پایین‌تر از حد وسط طیف لیکرت (۳) است. بر مبنای نتایج به دست آمده وضعیت کلی مشارکت‌پذیری مردم پایین‌تر از حد متوسط اظهار شده است، که باتوجه به برنامه‌های توانمندسازی که از ابتدای برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در دستور کار قرار گرفته است این میزان بیانگر عدم کارآمدی این برنامه خواهد بود و حکایت از آن دارد که این برنامه‌ها نیز بیشتر سطح مشارکت تصنعی و شعاری را تعقیب کرده است. درصد میزان مشارکت، آگاهی و اطلاع‌رسانی و توانمندسازی پاسخ‌دهندگان نیز به ترتیب ۴۲، ۴۵ و ۴۷ درصد است که این میزان از میانگین ۵۰ درصد کمتر می‌باشد. این داده‌ها گویای آن است که میزان مشارکت، درصد آگاهی و نیز

میزان توانمندی پاسخ‌دهندگان کم می‌باشد. با توجه به رویکرد صاحب‌نظران مقوله کنش و مشارکت، میزان اطلاعات مردم بر میزان مشارکت آنان تأثیرگذار است بدین ترتیب از آنجایی که در این مطالعه میزان آگاهی پاسخ‌دهندگان در حد پائین بوده بالتبع میزان مشارکت آنان نیز در پیشبرد برنامه‌ها و اهداف مرتبط با بهبود کیفیت و ارتقاء سطح کیفی محل سکونت خود کم ارزیابی شده است. به طور کل مولفه‌های میزان مشارکت، آگاهی و اطلاع‌رسانی و توانمندسازی در حد کم در میان ساکنین بافت فرسوده در مناطق ۴ گانه شهرداری شهر تهران (مناطق ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۷) قابل ارزیابی است این نکته گویای رابطه مستقیم این سه مقوله است. بدیهی است هرچه میزان مشارکت بیشتر باشد، آگاهی و توانمندی هم بیشتر خواهد بود و هر چه میزان آگاهی و اطلاع‌رسانی و توانمندی مردم پایین‌تر باشد، میزان مشارکت مردمی نیز کمتر خواهد بود. این در حالی است که بعد از ناکارآمدی و ناتمام ماندن برنامه‌های نوسازی و بهسازی محلات در برنامه پنجم توسعه و شناسایی دلایل عدم تحقق این برنامه‌ها، یکی از شاخص‌های آن برای ارتقا اثربخشی برنامه‌های نوسازی و بازسازی مناطق دارای بافت فرسوده شهری توانمندسازی مردم و ساکنین این محلات بود. موضوعی که هم‌اینک دستگاه‌های متولی آن در وزارت راه و شهرسازی و شهرداری در قالب برنامه‌های آموزشی توانمندسازی ساکنین محلات بافت فرسوده شهری، درصدد افزایش سطح آگاهی و دانش و بالطبع ارتقا سطح اعتماد اجتماعی هستند.

در بخش ساحت کیفی پژوهش نیز ابتدا انتخاب شرکت‌کنندگان تحقیق با نمونه‌گیری مبتنی بر هدف (هدفمند) آغاز شد و در جریان گردآوری و تحلیل داده‌ها با نمونه‌گیری نظری (تئوریک) ادامه پیدا کرد. پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی با به‌کارگیری روش نظریه داده‌بنیاد (گراندد تئوری) انجام گرفت و داده‌های مورد نیاز با به‌کارگیری روش مصاحبه عمیق جمع‌آوری شد. روایی سؤالات مصاحبه نیز براساس نظرات متخصصان (اساتید راهنما و مشاور) مورد تأیید قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش در بخش مصاحبه ابتدا ساکنین قدیمی‌تر بافت فرسوده بوده به دلیل دارا بودن تجربه زیسته بیشتر از سکونت در محلات هدف و آگاهی بیشتر نسبت به برنامه‌های

پیاده‌سازی در محلات انتخاب گردیدند و سپس نسل‌های بعد که تجربه زیسته کمتری از سکونت در این محلات داشتند و یا ساکنینی که تازه در این محلات سکنی گزیده بودند مورد مصاحبه قرار گرفتند.

نمونه‌های بخش کیفی این پژوهش را ۱۵ نفر تشکیل داد، زیرا از آنجایی که در روش گراند تئوری مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری بایستی ادامه یابد و در این پژوهش از مصاحبه یازدهم به بعد اطلاعات تکراری بوده و موضوع جدیدی توسط مصاحبه‌شوندگان ارائه نشده؛ لذا در مصاحبه پانزدهم اشباع نظری حاصل گردید و سپس تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس دستورالعمل‌های استراوس و کوربین انجام گرفت. در سؤالات نخستین تجربه زیسته ساکنین بافت فرسوده پرسیده شده از این رو همان‌طور که بیان شد در ابتدا ساکنین قدیمی به دلیل بالاتر بود تجربه زیسته‌شان از سکونت در این محلات انتخاب شدند، زیرا آنها اشراف جامع‌تر و کامل‌تر از فرایند برنامه‌ها و اقدامات در محلات بافت فرسوده که برای سالیان متمادی در آن زیست کرده‌اند دارا بودند. پس از برگزاری مصاحبه در مراحل اول، کدگذاری و ایجاد مفاهیم، مقایسه آنها با هم و تشکیل مقوله‌ها، از نمونه‌گیری نظری برای انتخاب شرکت‌کننده‌های بعدی استفاده شد. در این مرحله تأکید بر سؤالات زیر بود:

از دیدگاه شما مشارکت مردم در بهسازی بافت‌های فرسوده تا چه اندازه است؟
به نظر شما مردم چه دیدگاهی نسبت به مشارکت در بهسازی بافت‌های فرسوده داشته و دیدگاه آنان نسبت به تأثیر بر محیط خود به چه میزان بر مشارکت آنان تأثیر می‌گذارد؟

آیا در میان مردم برای مشارکت در احیای بافت فرسوده احساس مسئولیت وجود دارد؟
آیا ارزش‌ها و باورهای ساکنین بافت فرسوده بر مشارکت آنها در نوسازی و بازسازی بافت فرسوده شهری تأثیرگذار است و این ارزش‌ها از دیدگاه شما چه بوده و تا چه اندازه مؤثر است؟

به طور کل تجربه زیسته مردم از مشارکت یا عدم مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری چه بوده و آیا بر میزان مشارکت آنان تأثیر می‌گذارد؟

از دیدگاه شما مهم‌ترین انگیزه‌هایی که می‌تواند مردم را به مشارکت جلب نماید چیست؟

سپس در گام کدگذاری محوری ضمن پیش رفتن مصاحبه‌ها، ارتباط مقولات در نمونه‌گیری‌های نسبی از کدهای مصاحبه‌ها تا حدودی مشخص شد و در آخرین گام کدگذاری انتخابی، نمونه‌گیری گزینشی از مقولات و ساکنین به عمل آمد و باتوجه‌به تجربه‌های زیسته مطرح شده توسط ساکنین قدیم، میزان مشارکت مردمی از ساکنین پرسیده و در مرحله تکمیلی برای تکمیل مصاحبه‌ها از ساکنین جدیدتر با محوریت ارائه راهکار و راهبرد مصاحبه‌های عمیق انجام شد.

جدول شماره ۴: کدگذاری باز (تجربه زیسته ساکنین قدیمی محلات بافت فرسوده شهر تهران از

میزان و چگونگی فعالیت مشارکتی ساکنین)

مقوله	کد
میزان مشارکت مردم ساکن بافت فرسوده شهری	مشارکت کم‌رنگ مردمی در اجرای طرح‌های بافت فرسوده عدم مشارکت مردمی در اجرای طرح‌های بافت فرسوده میزان بسیار کم مشارکت مردمی در احیای بافت فرسوده کاهش یا فقدان تمایل مردم به مشارکت
دیدگاه‌های مردم ساکن بافت فرسوده شهری	نبود توانمندی مالی برای مشارکت، عدم انگیزه کافی، احساس مردم مبنی عدم تأثیرگذاری فردی آنان بر احیای بافت فرسوده، واحدهای مسکونی کوچک و فرسوده یا واحدهای کسب‌وکار کوچک و مختصر به‌عنوان تنها دارایی مردم ساکن فرسوده تلقی شده و اغلب از این نگران هستند که با تأمین نشدن بهای ملک فرسوده خود، این دارایی مختصر خود را از دست بدهند و یا این که همین سرپناه کنونی و یا محل کسب درآمد خود را از دست بدهند.

<p>دلایل مردم ساکن در بافت فرسوده شهری</p>	<p>احساس مسئولیت قدمت و بی‌دوام بودن بیشتر ساختمان‌ها و تعداد اندک ساخت‌وسازهای جدید نفوذپذیری ضعیف برای دسترسی به بافت درونی محله‌ها نبودن یا کمبود شدید خدمات و زیرساخت‌ها وجود ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی به دلیل اسکان اقشار حاشیه‌ای جامعه در بناهای فرسوده و مخروبه و گریز خانوارهای قدیمی باورهایی همچون اعتماد به مدیران و مسئولان در این زمینه و داشتن احساس تأثیرگذاری مشارکت مردمی در احیای بافت فرسوده</p>
--	---

با امعان نظر بر رویکردهای جامعه‌شناسی شهری از مجموع نظرات حاصل این استنباط می‌گردد که میزان مشارکت مردمی در احیای بافت فرسوده یا اصلاً وجود نداشته و یا در حد بسیار کم عنوان شده و این مسأله علاوه بر عدم آگاهی مردم و نیز عدم پیگیری و رسیدگی از سوی نهادهای مربوطه دولتی ناشی از ضعف مالی مردم ساکن بافت فرسوده است. دیدگاه‌های مردم ساکن بافت فرسوده بر نوعی احساس ناتوانی (از جمله عدم توانمندی مالی) و عدم تأثیرگذاری نقش مردمی بر احیای بافت فرسوده صحنه گذاشته است. ضعف مالی اغلب ساکنین بافت فرسوده باعث ایجاد نگرانی آنان مبنی بر از دست دادن همان سرپناه‌های اغلب ضعیف و قدیمی و محل‌های کسب‌وکار فرسوده در صورت تأمین نشدن نیازهای مالی پس از بهسازی و نوسازی بافت فرسوده است. علی‌رغم این مسأله مصاحبه‌شوندگان بر این امر تصریح داشتند که احساس مسئولیت ساکنین بافت فرسوده نسبت به محله و شهر خود می‌تواند دلیلی برای وارد شدن آن در پروسه مشارکت باشد. علاوه بر این دلیل ذکر شد که قدمت بیش از حد برخی از ساختمان‌ها، عدم وجود امکانات و خدمات آموزشی، بهداشتی و تفریحی در نهایت منجر به شکل‌گیری برخی ناهنجاری‌های شکلی و بصری و نیز ناهنجاری‌های اجتماعی شده است که وجود این مسائل و ایجاد انگیزه‌هایی مبنی بر رفع این مشکلات می‌تواند تقویت‌کننده انگیزه و نگرش ساکنین برای ارتقای سطح

مشارکت باشد. در این زمینه ایجاد باورهایی همچون اعتماد به مدیران و مسئولان و شکل‌گیری احساس تأثیرگذاری مشارکت مردمی در احیای بافت فرسوده در میان ساکنین می‌تواند عامل مؤثری در افزایش مشارکت مردمی باشد. تقویت انگیزه‌هایی همچون امکانات و تسهیلات زیباسازی، خدماتی، بهداشتی و اجتماعی از جمله مهم‌ترین عواملی است که در کنار موارد دیگر همچون توانمندسازی مالی می‌تواند در امر افزایش مشارکت ساکنین بافت فرسوده تأثیر مثبت و غیرقابل‌انکار داشته باشد.

بر اساس نگرش جامعه‌شناسان سرزندگی بافت‌های فرسوده یکی از اهداف مهم بهسازی و نوسازی این محلات محسوب می‌شود و فرهنگ عامه ساکنین و مسائل محلی باید در طراحی‌ها و الگوهای بازآفرینی شهری متجلی گردد. بدین ترتیب عدم وجود چنین مسائلی می‌تواند انگیزه مشارکتی ساکنین را در امر بهسازی و نوسازی بافت فرسوده آنچه که در رویکردهای مشارکتی از منظر جامعه‌شناسان شهری نیز مطرح شده را تحت تأثیر قرار دهد. برای بالابردن انگیزه‌های مردمی برای ارتقای سهم مشارکتی به‌منظور احیای بافت فرسوده می‌توان به مسائل محلی و سرزندگی این محلات با تأکید بر مقوله‌های هویتی ساکنین توجهی ویژه داشت.

در گام بعدی تحت عنوان مرحله کدگذاری محوری و با توجه به مصاحبه‌ها، ارتباطات زیر بین مقولات آشکار گردید:

- دلایل مردم ساکن بافت فرسوده با میزان مشارکت آنان رابطه مستقیم دارد.
- ارزش‌ها و باورهای ساکنین بافت فرسوده بر میزان مشارکت آن در احیای بافت فرسوده تأثیرگذار است.
- افزایش مشارکت مردمی منوط به ایجاد و تقویت انگیزه میان ساکنین بافت فرسوده است.
- دلایل، ارزش‌ها و باورهای ساکنین بافت فرسوده نشأت گرفته از دیدگاه‌های آنان در خصوص زیست شخصی و نیز ناشی از خدمات دولتی است.
- و در گام سوم، کدگذاری انتخابی که همانا استخراج مقوله اصلی به‌صورت نظام‌مند بوده و ارتباط آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با

مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش بیشتر دارند صورت پذیرفت. در این گام پس از استنباط میزان مشارکت مردمی، دیدگاه‌ها، دلایل و انگیزه‌های ساکنین بافت فرسوده و سنجش ارتباط میان مقولات یاد شده، به ارائه راهبرد از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان (از نسل‌های جدیدتر) با توجه به اهداف مورد نظر از مصاحبه‌ها پرداخته شد. در این مرحله تأکید سؤالات بر موارد زیر بوده است:

- از دیدگاه شما آیا اطلاع‌رسانی مناسبی به مردم جهت مشارکت در بهسازی بافت فرسوده توسط سازمان‌های ذیربط انجام شده است؟ و اطلاع‌رسانی به مردم را از طریق چه سازوکارهایی مناسب می‌دانید؟

- به نظر شما سازمان‌های مسؤول در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده، از طریق چه سازوکارهایی می‌توانند مردم را به فرایند مشارکت جلب نمایند؟

- برای اعتمادسازی و جلب مشارکت مردمی در احیای بافت فرسوده کدام راهکارها را پیشنهاد می‌دهید؟

- چه راهکاری را برای آموزش به مردم در این مسیر پیشنهاد می‌دهید؟

- چه راهبردهایی جهت بهبود تجربه زیسته مردم ساکن در بافت فرسوده شهری برای مشارکت پایدار وجود دارد؟

- برای تقویت دلایل مردم به مشارکت در احیای بافت فرسوده کدام راهکارها را پیشنهاد می‌دهید؟

- برای ایجاد و تقویت انگیزه مردمی در مشارکت در احیای بافت فرسوده کدام راهکارها را پیشنهاد می‌دهید؟

- چه راهکاری برای افزایش توانمندی مردم پیشنهاد می‌دهید؟

- از دیدگاه شما برای تأمین مالی بافت فرسوده مناسب‌ترین راهکارها چیست؟

جدول شماره ۵: ارائه راهکارها و پیشنهادات برای ارتقاء مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی

بافت فرسوده محل سکونتشان

مقوله	کد
	برقراری روابط الکترونیکی، روش رسانه‌های جمعی و گروهی و

اطلاع‌رسانی	سایت‌های اینترنتی و پایگاه اطلاع‌رسانی شهروندان در حیطه بهسازی و نوسازی بافت فرسوده
اعتمادسازی	ایجاد کارگاه‌های مشترک مردم و دولت، معتمدین محله و رسانه‌های گروهی، ایجاد و طراحی سایت‌های نظرخواهی، اعتماد متقابل و باور به مردم و مشارکت‌دادن آنها در اداره امور شهری، شفافیت در اخذ عوارض، اجرای عدالت اجتماعی، شفافیت در تأمین درآمدهای شهرداری
آموزش مردمی	ایجاد یک نهاد و سازمان واسط برای هماهنگی در میان چرخه‌های نوسازی بافت فرسوده (مردم، دولت و شهرداری و...)، تشکیل دفاتر مشارکت مردمی در حوزه عملکردهای بهسازی و نوسازی بافت فرسوده
بهبود تجربه زیسته	رفع آلودگی‌های زیستی از طریق ارائه خدماتی همچون شبکه جمع‌آوری و دفع آب‌های سطحی، تقویت و تعمیرات شبکه کامل گازرسانی و مشکلات توزیع سوخت در محله مردم، ایجاد امکانات تفریحی سالم برای رفع و کاهش آسیب‌هایی اجتماعی، تلاش بخش دولتی برای تأمین زیرساخت‌ها و ساماندهی فضاهای عمومی و ارائه خدمات
تقویت دلایل مشارکت	تقویت حس تأثیرگذاری مردم در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده، ارائه خدمات کارا به مردم
افزایش توانمندی مردم	سرمایه‌گذاری و تأمین و تسهیل دریافت تسهیلات بانکی با نرخ بهره پایین و مدت‌زمان بازپرداخت مناسب با لحاظ دوره تنفس، اقدامات حمایتی از سوی دولت و شهرداری‌ها و تأمین نیازهای اقتصادی مردم
تأمین مالی	بهره‌گیری از کمک‌های بخش خصوصی، مکانیزم بهره‌گیری از روش تهارتری بر مبنای بهسازی و نوسازی بافت فرسوده به روش محله محوری، اعطای وام بدون بهره یا کم‌بهره از طریق بانک‌های دولتی

براین اساس دلایل و نگرش نسل جدید به موضوع مشارکت با میزان آگاهی و شناخت آنها از برنامه‌ها، تصمیمات و راهبردهای اتخاذی توسط سیاستمداران برای بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری ارتباط مستقیم و معناداری داشت و بر این باور اجماع وجود داشت که ارتقای سطح آگاهی زمینه‌ساز ارتقای نقش مشارکتی آنان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده محل سکونت خود و بالتبع توسعه پایدار شهری، خواهد شد. تحقق این امر را نیز در گرو ایجاد حس اعتماد به برنامه‌های دولتی برای بهسازی و نوسازی بافت فرسوده و همچنین توانمندسازی می‌دانستند. از جمله راهکارهای ارائه شده توسط این گروه از ساکنین محلات بافت فرسوده شهری بر اهمیت متغیرهایی همچون اطلاع‌رسانی دقیق و کامل، اعتمادسازی، آموزش مردمی، بهبود تجربه زیسته، تقویت دلایل مشارکت، افزایش توانمندی مردم و تأمین مالی از طریق اعطای تسهیلات ارزان‌قیمت (وام کم‌بهره و بدون بهره) تأکید شده است. در راستای رسیدن به موارد مزبور راهکارهای ذیل ارائه شده است:

اعتمادسازی از طریق: ایجاد کارگاه‌های با مشارکت مردم، نمایندگان دولت، معتمدین محله و رسانه‌های گروهی، ایجاد و طراحی سایت‌های نظرخواهی، اعتماد متقابل و باور به مردم و مشارکت‌دادن آنها در اداره امور شهری، شفافیت در اخذ عوارض، اجرای عدالت اجتماعی، شفافیت در تأمین درآمدهای شهرداری و اعطای سند مالکیت به اراضی فاقد سند برای ساکنین محلات بافت فرسوده به منظور امکان اخذ تسهیلات بانکی برای بهسازی و نوسازی محل سکونت.

آموزش مردمی از طریق: ایجاد حلقه‌های میانی در چارچوب قانون حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری برای بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (متشکل از مردم، دولت و شهرداری‌ها و...)، تشکیل دفاتر مشارکت مردمی در حوزه عملکردهای نوسازی بافت فرسوده.

بهبود تجربه زیسته از طریق: رفع آلودگی‌های زیستی از طریق ارائه خدماتی همچون شبکه جمع‌آوری و دفع آب‌های سطحی، ارائه خدماتی همچون تقویت و تعمیرات شبکه کامل گازرسانی و مشکلات توزیع سوخت در محلات، ایجاد امکانات تفریحی

سالم برای رفع و کاهش آسیب‌هایی اجتماعی، تلاش بخش دولتی برای تأمین زیرساخت‌ها و ساماندهی فضاهای عمومی و ارائه خدمات.

تقویت دلایل مشارکت از طریق: تقویت و آگاهی‌بخشی به مردم و ارائه خدمات موردنیاز در محلات بافت فرسوده شهری از طریق تشکیل میز خدمت دستگاه‌ها و نهادهای دخیل در امر بهسازی و نوسازی شهری.

افزایش توانمندی مردم از طریق: سرمایه‌گذاری و همچنین تأمین و تسهیل دریافت تسهیلات بانکی با نرخ بهره پایین و یا صفر و لحاظ دوره تنفس برای بازپرداخت، اقدامات حمایتی از سوی دولت و شهرداری‌ها، تأمین نیازهای اقتصادی مردم **تأمین مالی** از طریق: بهره‌گیری از کمک‌های بخش خصوصی و نهادهای مردمی و دستگاه‌های حمایتی، مکانیزم بهره‌گیری از روش تهارتی بر مبنای احیای بافت فرسوده به روش محله محوری.

علاوه بر موارد برشمرده شده بهره‌گیری از تجارب کشورهای موفق در امر بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده برای کاهش هزینه‌ها و سرعت‌بخشی در پیشبرد برنامه‌ها باید در دستور کار برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری قرار گیرد. به‌عنوان مثال تجارب کشورهای آمریکا، انگلیس و فرانسه در نظام مدیریت شهری که از رویکرد مشارکت مردمی بهره‌فراوانی برده و دستاوردهای موفق حاصل داشته‌اند بایستی مورد امعان‌نظر قرار گیرد. در این زمینه به نظام مدیریت شهری ایالات متحده آمریکا می‌توان اشاره نمود که نوعی از حکومت محلی است که وظایفی همچون تصویب برنامه از طریق یک مصوبه رسمی؛ تصویب قانونی مقررات منطقه‌بندی و نقشه آن جهت اعطای قدرت اجرایی قانونی برنامه و تعیین اعضای کمیسیون برنامه‌ریزی و هیأت تعدیل را ایفا می‌کند. علاوه بر این می‌توان به برنامه‌های جامع در توسعه شهری اشاره کرد. در تهیه این برنامه‌ها شهروندان مشارکت داشته، سپس مرحله‌به‌مرحله منتشر گشته و در دسترس مردم قرار می‌گیرد. در بعضی از مناطق، کمیته غیررسمی از شهروندان به‌منظور کمک به برنامه‌ریزان تشکیل می‌شود که این کمیته، نظریات برنامه‌ریزان را به جامعه ابلاغ می‌کند

که یقیناً پیشنهاد تشکیل حلقه‌های میانی که در صدر به آن اشاره شد می‌تواند در فرایند برنامه‌ریزی با مردم برای مردم مؤثر واقع گردد.

همچنین کشور آلمان برای ارتقای سطح مشارکت مردم در فرایند برنامه‌ریزی برای محلات و بهره‌جستن از تجربه زیسته ساکنین از قالب شوراهای محلی مردم‌سالار بهره‌جسته است. اعضای شورای محلی طی انتخابات عمومی با مشارکت همه شهروندان یک محله انتخاب می‌شوند. نقش و جایگاه مردم و ساکنین محلات در برنامه‌ریزی شهری در کشور انگلستان نیز دیده شده به طوری که امکان اظهارنظر و ارائه تجربیات زیسته توسط ساکنین یک محل بر روی طرح‌های عمرانی در قالب کمیته‌های محلی وجود دارد و در کشور فرانسه این همراهی مردم با برنامه‌ریزان از طریق شوراهای شهر فراهم شده است که البته در کشور خودمان نیز نمونه‌های موفق هرچند محدودی از به‌کارگیری نقش و جایگاه مردم در مشارکت مردمی ساخت محلات نظیر طرح بازسازی بافت فرسوده پیرامون حرم مطهر امام رضا (ع) دیده شده است. این طرح که مشارکت مردمی طبرسی در قطاع دو و حد فاصل حرم مطهر امام رضا (ع) از جنوب و خیابان طبرسی از شرق تا کوچه نوغان و شیروانی دوّم از جانب شمال و غرب آن تا کوچه تقوایی واقع در کوچه فروزان به مساحت ناخالص ۱۱ هکتار دارای ۵۴۵ پلاک و ۹۲۴ صاحب حقوق با کاربری‌های مسکونی، تجاری، اقامتی مذهبی... در عرصه‌ای حدود ۸۷/۹۶ مترمربع و زیربنای ۱۶۳۰۰۰ مترمربع مقدار ۱۷۰۳۹ مترمربع به‌عنوان معابر و فضای خدماتی را دربرگرفت. در این طرح اجرای پروژه‌ها بر اساس تجمیع املاک و با سرمایه اولیه مالکان و صاحبان حقوق و در صورت نیاز با بهره‌مندی از تسهیلات بانکی نوسازی صورت پذیرفت و بهسازی و نوسازی بافت توسط مردم (با رویکرد خودمالکانه) انجام گردید، مگر در مواردی که فرد از ادامه همکاری باز ماند و قصد واگذاری ملک یا حقوق خود را به غیر داشت. از آنجاکه اجرای پروژه‌ها توسط مردم و با مدیریت و نظارت عالی سازمان مجری انجام گردید علاوه بر کاهش نارضایتی‌های اجتماعی به جهت حفظ املاک و حقوق و سرمایه‌های آنان موجب اطمینان خاطر و تسریع در اجرای طرح شد و آنچه که هدف برنامه‌ریزی مشارکتی در فرایند بهسازی و

نوسازی بافت فرسوده شهری با بهره‌گیری از مشارکت ساکنین محلات و بهره‌مندی از تجربه زیسته، انگیزه‌ها و نگرش و انتظارات آنها از بهسازی و نوسازی محل سکونتشان بود که در رویکردهای جامعه‌شناسی شهری مطرح می‌گردد در این طرح تا حد قابل توجهی حاصل گردید. (جعفرزاده نجار و نمین، ۱۳۹۲: ۵۹).

در محدوده طرح بهسازی و نوسازی بافت پیرامون حرم مطهر ضمن ارزیابی امکان سطح مشارکت ساکنین بافت در بهسازی و نوسازی محل زیست خود، کارآمدترین راهکار با توجه به ارزیابی‌های به‌عمل‌آمده رویکرد حمایت مالی از ساکنین برای ارتقای سطح مشارکت و همچنین افزایش سطح اعتماد اجتماعی برای همکاری و مشارکت در این برنامه جامع بود که از میان روش‌های مختلف تأمین مالی پروژه‌ها، روش اوراق مشارکت سازگاری بیشتری داشت چرا که به‌واسطه مزیت غیرتورمی بودن در زمان انتشار اوراق استقبال عمومی را به همراه داشت که حاکی از ارتقای سطح اعتماد اجتماعی به نظام برنامه‌ریزی شهری است.

بر اساس موارد برشمرده شده و امعان‌نظر بر دیدگاه نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی شهری برخی ویژگی‌های فردی همانند سن و جنس نیز می‌تواند متغیرهای مؤثری بر مشارکت پایدار مردمی باشد. به‌عنوان مثال طبق نظریه کنش اجتماعی لحاظ ویژگی‌های فردی و سن و جنس و... برای مشارکت در فعالیت‌های دسته‌جمعی و نگرش‌های مساعد اجتماعی، می‌توانند مهم باشند. علاوه بر عوامل فوق، قصد و نیت از مشارکت فردی نیز مهم است. به‌نحوی که تنها قصد مشارکت برای اقدام به مشارکت دلیلی کافی نبوده و توانمندسازی و تخصیص امکانات نیز شرط مهمی است. طبق این دیدگاه می‌توان عناصر مؤثر در شکل‌دهی به یک کنش مشارکتی را به شکل زیر طرح نمود: انتظارات افراد و ارزیابی آنان، میزان اطلاع از ابعاد مشارکت، تصویری که از ارزیابی دیگران در مورد این کنش دارند، انگیزه فرد، میزان اقدام به کنش در گذشته و امکانات و وسایل لازم برای عملی ساختن کنش.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، عدم وجود اطلاعات شفاف، عدم آگاهی‌بخشی مناسب و دقیق، سست‌شدن اعتماد اجتماعی، خدشه‌دار شدن به ارزش‌ها و دلایل

ساکنین به واسطه تجارب قبلی و دلایلی دیگر باعث گردیده که کماکان برنامه‌ریزی‌ها آن‌گونه که نیاز و ضرورت بافت‌های فرسوده شهری و ذی‌نفعان اصلی آن یعنی ساکنین بافت‌های فرسوده شهری است کارآمد نباشد. از آنجایی که قالب مشکلات ساکنین بافت فرسوده برای مشارکت در فرایند بهسازی و نوسازی شهری موضوعات اقتصادی است؛ بنابراین رویکرد حمایت مالی دولت در قالب پرداخت تسهیلات با سود حداقل ۹ درصد در حال حاضر نتوانسته اقبال ساکنین این مناطق را از یکسو به واسطه سهم ناچیز تسهیلات در هزینه‌های بهسازی و نوسازی و از سوی دیگر عدم توان بازپرداخت اقساط تسهیلات به همراه آورد. همچنین در برخی از استان‌های کشور به دلیل رویکرد مذهبی و فرهنگی اخذ تسهیلات با بهره هرچند پایین مورد قبول و تأیید نیست و لذا کوچکترین اقبالی از این تسهیلات حمایتی رخ نداده است.

در این پژوهش ضمن مطالعه توصیفی وضع موجود و نتایج حاصل از آن تلاش بر آن بود که این رویکرد جامعه‌شناسان شهری در بستر جوامع درگیر، به تأیید برسد که با برنامه‌ریزی‌های تصنعی و شعاری و از بالا به پایین و عاریه گرفتن مفهوم مشارکت و توانمندسازی برای قشری که هیچ‌گونه انگیزه و دلیلی برای همراهی ندارند نمی‌تواند برنامه‌های دولتی را مؤثر واقع گرداند. براین اساس ارزیابی اثربخشی برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های صورت پذیرفته تاکنون برای بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری باید در اولویت نظام برنامه‌ریزی شهری قرار گیرد و ضمن انجام مطالعات میدانی دقیق و کارشناسی و بروز برنامه‌های بهسازی و نوسازی محلات متناسب با همان محلات در دستور کار قرار گیرد و از تجویز نسخه‌ای واحد برای تمامی محلات در تمام نقاط شهر و کشور که دارای اقلیم، جغرافیا، ساختار کالبدی و اجتماعی و زیستی و فرهنگی متفاوت است جدا پرهیز نمایند. باید در نظر داشت که شهروند شناختن ساکنین شهری به منزله توانمندسازی آن و موجب جلب اعتماد آنها نسبت به طرح‌ها و برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری است، به عبارت دیگر زمانی که شهروندان احساس کنند که نظر آنها به دور از هر گونه تبعیض فرهنگی اجتماعی مورد توجه واقع می‌شود و می‌توانند بر برنامه‌ها تأثیرگذار باشند، به راحتی می‌توانند در همه مراحل تهیه و

اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی محلات مشارکت کنند. طبق نظریات جامعه‌شناسی همچون تئوری‌های نابسامانی، بیگانگی و بی‌قدرتی بر روند و میزان مشارکت تأثیرگذار است. بدین ترتیب برای ایجاد مشارکت پایدار شهری و ایجاد انسجام اجتماعی باید موانع این انسجام شناسایی و برطرف گردد و توانمندسازی برای ایجاد مشارکت پایدار مردمی ساکنین برای بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهر تهران و کل کشور ایجاد شود. براین اساس باید زمینه‌ها و امکانات مشارکت، ایجاد گردد تا ساکنین بافت‌های فرسوده شهر تهران احساس توانایی و قدرت در بروز قابلیت‌های اجتماعی خود در این مناطق، داشته باشند. در صورت فراهم شدن زمینه‌ها و امکانات مشارکت، این قابلیت‌های اجتماعی می‌تواند به ظهور و تحول ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی منجر شود. بدین ترتیب باید سیستم اقتصادی و اجتماعی نهادهای دخیل در توسعه شهری به شکلی نوین و بر اساس مشارکت مردمی و توزیع قدرت در لایه‌های اجتماعی پایه‌ریزی گردد. زیرا هنگامی که احساس بی‌قدرتی در مردم شکل گیرد، احساس بی‌تأثیری عمل آنان و یا تصور این باور که رفتار آنان قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و بالتبع منجر به مشارکت محدود آنان می‌گردد. طبق نظریه مبادله نیز پاداش حاصل از انجام کار موجب بروز یک رفتار می‌شود و پایداری آن را سبب می‌گردد براین اساس توانمندسازی مردم می‌تواند به‌عنوان پاداشی جهت مشارکت آنان در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری تلقی گردد. با توجه به این که طبق نظریه هانتینگتون مشارکت تابع و پیامد توسعه است و مشارکت اجتماعی تابع تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست‌های آنها یا محصول جانبی توسعه به شمار می‌رود؛ بدین ترتیب برای ارتقای توسعه و بسط مشارکت پایدار مردمی برای بهسازی و نوسازی بافت فرسوده نخبگان باید با تصمیمات سازنده در این راستا اقدام نمایند تا فرصت‌های تحرک اجتماعی و اقتصادی ساکنین بافت فرسوده را فراهم آورند. پال و دیگر صاحب‌نظران نقش مدیریت شهری را بااهمیت دانسته و بر نقش مدیران در برنامه‌ریزی شهری تأکید نموده‌اند. در واقع مدیریت شهری تهران می‌تواند با ایجاد

نظامی مشارکتی در طرح‌های شهری، علاوه بر توزیع قدرت، با ایفای نقش حمایتی و نظارتی در بسط مشارکت نقش پر اهمیتی داشته باشند.

به طور مجموع رفتار مشارکتی ساکنین محلات و بافت‌های فرسوده متأثر از زمینه‌های ذهنی و عینی آنان است و ارتباطات مشارکتی ساکنین در کنش‌های اجتماعی و به طور متقابل شکل گرفته و از یک سو منوط به رفتار ساکنین و از طرفی دیگر توسط ساختار جامعه و نخبگان و مدیران شهری تهران بر آن تأثیر گذاشته است.

منابع

-امیری، مجتبی؛ نشاط، اکبر و نیکنایی، مجید (۱۳۹۵). بررسی نقش مشارکت شهروندان در نوسازی و بهسازی بافت فرسوده با رویکرد مدیریت شهری مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهرداری تهران، پژوهش جغرافیای انسانی، دوره ۴۸، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵.

-آقاحسینی، حسین؛ شائمی برزکی، علی؛ انصاری، محمد اسماعیل و نصراصفهان، علی (۱۳۹۱). بررسی سرمایه اجتماعی سازمانی در سازمان‌های خدماتی استان اصفهان،

جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۲.

-پیران، پرویز و ستوده علمباز، فاطمه (۱۳۹۰). تجدید حیات بافت‌های فرسوده شهری معطوف به سرمایه اجتماعی در ایران، تهران: نشریه نوسازی، شماره ۱۴.

-حیبی، سیدمحسن و رضوانی، هادی (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی، کاوشی نظری در شرایط ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴.

-حیبی، محسن (۱۳۸۴). مسیر پیاده گردشگری، نشریه هنرهای زیبا (۹).

-دفتر مطالعات کاربردی و امور ترویجی (۱۳۹۳). فعالیت‌های محرک برنامه‌های بازآفرینی در مقیاس محله و شهر، وزارت راه و شهرسازی، شرکت بازآفرینی شهری ایران.

-روشه، گی (۱۳۷۶). کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.

-ریترز، جورج (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه احمدرضا غروی‌زاد، تهران، ماجد.

-زندگی بختیاری، پروانه (۱۳۸۳). تحلیل سناریوهای توسعه کالبدی در بافت‌های فرسوده شهری با استفاده از مدل‌های ۳d پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

- سجاذزاده، حسن و زلفی گل، سجاد (۱۳۹۴)، طراحی شهری در بازآفرینی محلات سنتی با رویکرد محرک توسعه نمونه موردی: محله گلپا همدان، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۳۱.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، انتشارات سمت.
- سند توسعه‌بخشی و فرابخشی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴.
- سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۸۱). مشارکت و برنامه‌ریزی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهشی.
- شماعی، علی و پوراحمد، احمد (۱۳۸۳). تحلیلی بر سیاست‌ها و برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری در برنامه‌های توسعه کشور، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۹.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۴). شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، انتشارت علمی فرهنگی، سال اول، شماره یک.
- غفاری، غلامرضا و ازکیا، مصطفی، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، ۱۳۸۳.
- مروتی، نادر (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل ساکنان بافت‌های فرسوده به نوسازی (مطالعه موردی: محله امامزاده عبدالله تهران). تهران: فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۰.
- میرموسوی، سیدعلی (۱۳۷۵). مبانی دینی و فرهنگی سیاسی مشارکتی، تهران: فصلنامه نقد و نظر، سال دوم، شماره ۳ و ۴.
- نقدی، اسدالله (۱۳۹۰). انسان و شهر، درآمدی بر جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- نقدی، اسدالله و کولیوند، شکیبا (۱۳۹۴). بررسی مشارکت اجتماعی شهروندان در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (مورد مطالعه ساماندهی بافت فرسوده خیابان مدرس کرمانشاه، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۴).
- نوفل، سیدعلیرضا؛ کلبادی، پازین و پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸). بررسی و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت شهری نمونه موردی محله جلفا در شهر اصفهان، فصلنامه علمی - پژوهشی آرمان‌شهر (۳).

-نیازی، محسن (۱۳۸۵). تبیین وضعیت اجتماعی شهروندان کاشان، کاشان: فصلنامه کاشان شناخت، شماره دوم.

-هادیان، اکرم و دانشپور، سید عبدالهادی (۱۳۹۷) نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و مشارکت شهروندان، همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، شماره ۲۰ و ۲۱، آذرماه ۱۳۹۸، مشهد.

-Caotri, Huynh (1986) Popular Participation in Development. Paris: Unesco

-Hamilton, Peter (1983). Talcott Parsons, Routledge London. February, P.74